

از چشم غربی

• مرضیه سلیمانی

اگرچه موج تاریخ‌پژوهی ایرانی، از ده‌ها سال پیش در میان غربیان به راه افتاده بود؛ هنگامی که بریتیش میوزیوم لندن، با آغاز چهاردهمین روز ژوئن سال ۲۰۰۹، نخستین نمایشگاه بزرگ خود در سال‌های اخیر را به شاه عباس اختصاص داد، در واقع بر اهمیت یک دوره‌ی خاص در تاریخ ایران انگشت تأکید نهاد: دوران صفویه.

حکومتی که شاه اسماعیل صفوی در اوایل قرن دهم برپا کرد، یک حکومت تنوکراتیک و مذهبی برپایه‌ی تشیع بود. اعلام سلطنت اسماعیل در تبریز و پیروزی‌های نظامی و سیاسی او بیشتر موقوف به مرشد کاملی او بود. در حقیقت، بنیاد حکومت او بی‌وجود یاری‌های نظامی قزلباشان، قوام و دوام نمی‌گرفت. قزلباشان بیشتر از قبایل ترکمان آناتولی، سوریه و آذربایجان بودند و اهمیت آن‌ها تا نیمه‌های حکومت صفویان در ایران (در دوران شاه عباس اول) کاهش نیافت. ایران تحت توجهات سلسله‌ای که شاه اسماعیل تشکیل داد، وارد عصری جدید شد. از این رو، دوره‌ی صفوی را مقطع مهمی در تاریخ ایران دانسته‌اند که ایرانیان با آن برای کسب هویت خود به تکاپو پرداخته‌اند.^۱

ظهور شاه‌عباس اما، علاوه بر تصادفی تاریخی، واکنش منطقی هرج و مرج عجیبی بود که بر اثر تساهل و بی‌کفایتی پدر وی - محمد میرزا ملقب به خدابنده - در همه‌ی شئون و مدارج اجتماعی ایران حکم‌فرما شد.^۲ اما شاه جدید ثبات سیاسی را به مدت ۴۲ سال سلطنت در ایران برقرار کرد و به جز این، از نقاشی، ادبیات و کتاب‌آرایی نیز حمایت نمود و آن گونه که استاد مجتبی مینوی می‌گوید: شاه عباس در کار مذهب هیچ‌گاه بر راه تعصب نرفت و بر پیروان تمام مذاهب به چشم عطف و احترام نظر کرد.^۳

برخی مورخان اهمیت دوران حکومت شاه‌عباس را تا بدان پایه می‌دانند که مدعی‌اند «اگر شاه‌عباس به سلطنت نمی‌نشست، دولت صفوی در اندک زمانی متلاشی و منقرض می‌شد»، چرا که پس از مرگ شاه اسماعیل اول، در دوران پادشاهی پسرش شاه طهماسب نیز، سرداران ترک نژاد قزلباش همچنان در ایران فرمانروا بودند. اما تدریجاً از ایمان و اخلاص روحانی ایشان نسبت به مرشد کامل یا پادشاه صفوی کاسته می‌شد و علاقه به مقامات صوری و دنیایی و عشق به تحصیل جاه و مقام جای آن را می‌گرفت. هرچه با تمدن و فرهنگ و مختصات فکری و روحی ایرانیان آشناتر و مأنوس‌تر



■ **Shah Abbas: The Ruthless king who Became an Iranian Legend**

■ **Author: David Blow / 2009**

■ **Publisher: I.B. Tauris / 256 Pages**

■ **ISBN: 978 – 1845119898**



■ **A History of Modern Iran**

■ **Author: Ervand Abrahamian / 2008**

■ **Publisher: Cambridge University Press / 264 Pages**

■ **ISBN: 0521528917**



شاه عباس اول

می‌شدند، بنیان تعصبات صوفیانه و معتقدات اوهام‌آمیز ایشان سُست‌تر می‌شد. کم‌کم حرص و آز و دلبستگی به مقامات دولتی، رشته‌ی اتحاد و انفاق آنان را گُست چنان که بر سر مناصب دیوانی باهم به جنگ برخاستند و حتی در جنگ‌های ایران و عثمانی مکرر «مرشد کامل» را رها کردند و به حریف او، که دشمن شیعیان بود، پیوستند!

اما شاه‌عباس که بود و چه کرد؟ گروهی او را «خودکامه‌ای» نامیده‌اند که در پادشاهی ۴۲ ساله‌ی خود، سرزمین‌های از دست رفته‌ی باختری را به خاک ایران منضم کرد. عده‌ای او را حامی هنر و ادبیات و معماری، برقرارکننده‌ی امنیت حمل و نقل بازرگانی و احیاءکننده‌ی حیات فرهنگی و اجتماعی ایرانیان در ارتباط با خارجیان و ارمنی‌ها می‌دانند. دیگران وی را حاوی هر دو صفات نیک و بد می‌دانند: باهوش و مدبر، جسور و قدرت‌جو، آهن‌دل و بی‌رحم و سخت‌کش. و او به یاری همین صفات، آرزوی ایرانیان را برآورده ساخت و دست بسیاری از سرداران و حکام ترک‌نژاد را از فرمانروایی کوتاه کرد. و می‌گویند چنان به راحتی و رفاه مردم می‌اندیشید که حتی عوارضی که از دفن مردگان وصول می‌شد را تخفیف داد و در نظام مالیاتی تعدیلی به وجود آورد.

هرچه هست، اهمیت دوران شاه‌عباس و اصلاحات او در کل نظام سیاسی و اجتماعی ایرانیان هیچ‌گاه از نظر تیزبین مورخان دور نمانده است. در غرب، تنها در آستانه‌ی گشایش نمایشگاه پیش گفته در بریتیش میوزیوم لندن دو کتاب پیرامون شاه‌عباس به چاپ رسید: شاه‌عباس و بازسازی ایران، اثر شیلا کانبی و شاه‌عباس: پادشاه بی‌رحمی که به یک افسانه‌ی ایرانی بدل شده نوشته‌ی دیوید بلو. شیلا کانبی موضوع بازسازی و استعدادهای شاه‌عباس جهت ترمیم وضع نابسامان آن دوران را به تصویر می‌کشد و با یادآوری این نکته که شاه‌عباس در اواخر سلطنت خویش علاقه‌ی ویژه‌ای به مکان‌های مذهبی - به ویژه حرم حضرت معصومه در قم - پیدا کرده بود، انعکاس باورهای مذهبی صفوی در قم و مشهد را باز می‌گوید. ناشر این کتاب ۲۸۰ صفحه‌ای، انتشارات بریتیش میوزیوم (آوریل ۲۰۰۹) است و کانبی پیش از این آثاری را در حوزه‌ی تاریخ و هنر اسلامی به چاپ رسانده که برخی از آن‌ها عبارتند از: تاریخ تفصیلی هنر اسلامی (۲۰۰۶)، اشعار عاشقانه‌ی فارسی (۲۰۰۵)، نقاشی ایرانی (۲۰۰۴)، هنر و معماری عهد صفوی (۲۰۰۲)، عصر طلایی هنر ایرانی (۲۰۰۲)، شاهزاده خانم‌های خاندان تیموری و نقاشی‌های مغولی (۱۹۹۵)، نقاشی‌های موزه‌ی رضاعباسی اصفهان (۱۹۹۶)، نقاشی‌های هندی و اسلامی از مجموعه‌ی صدرالدین آقاخان (۱۹۹۸)، استادان ایرانی، پنج قرن نقاشی ایرانی (۱۹۹۰)، حکایت و تصویر، نسخ خطی مصور از ترکیه و ایران (۲۰۰۹) و...

کتاب دوم اما، به دیوید بلو تعلق دارد. او در دانشگاه‌های کمبریج، SOAS و لندن زبان و ادبیات فارسی خوانده و به عنوان مدیر دستیار در مؤسسه‌ی بریتانیایی مطالعات ایرانی در تهران، مشغول به کار بوده است. از بلو نیز پیش از این آثار متعددی به چاپ رسیده: نخستین بنای کلیسای کانگریشال (۱۹۹۲)، کاتدرال (کلیسای جامع) (۱۹۸۹) و سرویراستاری مجموعه‌ی ایران از نگاه نویسندگان که حاوی مجموعه مقالاتی از نویسندگان غربی درباره‌ی

ایران است و در سال ۱۹۹۱ انتشار یافته.

بلو برای تألیف کتاب خویش به منابع متعددی مراجعه کرده است، از آثار کهن تا جدید، انگلیسی تا فارسی، و از شرح اروپایی‌های معاصر گرفته تا وقایع نامه‌های ایرانی. و کوشیده تا از خلال شروح واقعی و روایت‌های افسانه‌ای به تصویر مستندی از شاه‌عباس - این سیاسی مرد پنهان در اساطیر - دست یابد. او مقدمه‌ی اثر ۲۵۶ صفحه‌ای خود را این گونه آغاز می‌کند: «فرمانروای خودکامه‌ای که پسران خویش را کور کرد و کشت، اما از سوی مردم خویش همچون یک قهرمان مورد احترام بود. جنگاور ممتازی که طی جنگ با بیگانگان متجاوز، غرور ملی و یکپارچگی اقلیمی را به کشورش بازگرداند، اما به عنوان سفیر و نماینده‌ی رسمی خویش در غرب، یک شوالیه‌ی انگلیسی را برگزید.

هنرشناسی که حمایت او از هنر، کشورش را به مرکز هنر و فرهنگ بدل کرد، اما سرسپردگی مذهبی‌اش تشیع را به پدیده‌ای جهانی مبدل ساخت. به تحقیق، بزرگ‌ترین فرمانروای ایرانی پس از حمله‌ی اعراب در قرن هفتم میلادی، شاه عباس بود؛ شخصیتی بی‌اندازه پیچیده و کشف نشده که علی‌رغم رفتارهای غالباً متناقض خویش، چهره‌ی خاورمیانه را برای همیشه تغییر داد.»

کتاب از دوازده فصل، یک پیشگفتار، یک مقدمه، مجموعه‌ای از تصاویر و نمایه تشکیل شده و سبک آن بین روایی و تحلیلی در نوسان است اما آن گونه کهپروفیسور رافائل برنشتاین از کالج دارتموث می‌گوید، در هر حال شکاف بسیار بزرگی را پر می‌کند و از یک بیوگرافی ساده و معمولی به یک

پژوهش علمی در خور توجه فرا رفته و اعتلا یافته است.^۱

فصل اول با عنوان «میراث شاه عباس: تولد یک دولت شیعی» به وضعیت ایران در هنگام تولد شاه‌عباس پرداخته است. او در شب دوشنبه اول ماه رمضان سال ۹۷۸ هجری قمری، در شهر هرات، مرکز حکومت خراسان، از خیرالنساء بیگم زن سلطان محمد میرزا - پسر بزرگ شاه طهماسب اول - در وجود آمد. روزی که قاصد امیرالامرای خراسان به قزوین رسید، اتفاقاً این بیت از بامداد مکرر بر زبان شاه طهماسب جاری شده بود که:

عباس علی است شیر غازی / سرلشکر دفتر حجازی

به همین مناسبت، چون قاصد فرارسید و عریضه‌ی پسر را تقدیم کرد، تکرار این بیت را نوعی الهام دانست و گفت که نام نوزاد را عباس گذاشتند. شاه‌طهماسب، پسرش محمد میرزای خدابنده (پدر شاه‌عباس) را هرگز سزاوار جانشینی نمی‌دانست و برای این کار خود هم دلایلی داشت: ضعف بینایی محمدمیرزا، در کنار ضعف اخلاقی او که در کسوت مردی درویش خصلت، دائماً در مقابل همه چیز و همه کس گذشت می‌کرد. اما به رسم روزگار محمدمیرزا هم پادشاه شد و بر اثر ضعف جسمانی و سُستی اراده، مقدمات زوال پادشاهی را فراهم ساخت: بروز فساد، انحطاط و بی‌انضباطی در میان قزلباشان. در حقیقت، همه کاره‌ی تاج و تخت، خیرالنساء بیگم - همسر محمدمیرزا - بود. او بود که فرمان قتل می‌داد یا در مورد مالیات‌ها و نقود و جواهرات سلطنتی تصمیم می‌گرفت. در این دوران جنگ‌های داخلی و خارجی در گرفت، تبریز به دست عثمانی‌ها افتاد، قزلباشان دچار اختلاف شدند و بسیاری از شاهزادگان صفوی به کام مرگ رفتند.

در فصل دوم که «کودکی پر آشوب و تصرف قدرت» نام دارد، با کودکی و جوانی ناتمام شاه‌عباس مواجه می‌شویم مادری چنان بی‌عاطفه و دسیسه‌چین، پدری چنین سُست عنصر و غرق در عوالم درویشی، و رشد و نمو در میان قبایل خشن شاملو و استاجلو. نتیجه، پدید آمدن جوانی بود که در عین ذکاوت، بدبین بود و در عین بی‌رحمی، شکیبنا. او، هنگامی که در هجده سالگی بر تخت پادشاهی تکیه زد، تصمیمات بزرگی در سر داشت و از فراز و فرود زندگی درس‌ها گرفته بود. بنابراین با اقتدار تمام قدرت را به دست گرفت و در مرحله‌ی اول، حرمت مقام پادشاهی و مرشد کامل را به جایگاه نخستین آن بازگرداند.

«عباس کنترل را به دست می‌گیرد» عنوان فصل سوم کتاب است که به استقرار پادشاهی عباس و تنظیم شیوه‌ی حکومت او می‌پردازد. ماجرای

«بازپس‌گیری خراسان از ازبک‌ها» در فصل چهار (ص ۴۷) مورد واکاوی قرار گرفته است و فصل پنجم با عنوان «ماجراجویان انگلیسی در خدمت شاه‌عباس» (ص ۵۳) یکی از جالب‌ترین بخش‌های کتاب است. در این جا خواننده با بسیاری از خُلقیات و خصوصیات شاه بزرگ و از جمله جوانمردی و فتوت وی آشنا می‌شود. هم‌چنین در می‌یابد که رفتار شاه‌عباس با میهمانان خارجی (و ایرانی) بسیار مردانه و سخاوتمندانه بود. از جمله‌ی این خارجی‌ها، دو برادر انگلیسی به نام‌های آنتونی و رابرت شرلی بودند که در آخرین سال قرن شانزدهم میلادی (۱۰۰۸ و ۱۰۰۷ هـ.ق) به همراه هیئت مرکب از ۲۵ انگلیسی به ایران آمدند.

ریاست این هیئت با آنتونی شرلی بود. آن‌ها ابتدا در قزوین و سپس در کاشان و اصفهان، در معیت شاه به سفر پرداختند و پس از اقامتی شش ماهه در اصفهان، مسئولیت آموزش فنون مدرن نظامی به سربازان ایران به آنتونی سپرده شد. دستیار او در این مسئولیت خطیر، الله‌وردی خان، سپهسالار ایران بود.

هم‌چنین در این فصل داستان پیترو دل‌واله، جهانگرد ایتالیایی؛ رفتار شاه با سفیران خارجی، ارمنی‌ها، ازبکان، انگلیسی‌ها، هندی‌ها و آلمانی‌ها به تصویر کشیده شده است.

«تداوم حمله: خراسان، خلیج فارس و عثمانی» مضمون اصلی فصل شش کتاب را تشکیل می‌دهد. در این فصل، همان‌گونه از عنوان آن پیداست، ماجرای حمله‌ی عثمان پاشا به آذربایجان و سقوط تبریز، اوضاع خراسان و خلیج فارس را از نظر می‌گذراند. در عین حال خواننده‌ی این بخش، از تاریخچه‌ی مختصر ورود غربی‌ها - به ویژه انگلیسی‌ها - به خلیج فارس، نفوذ و قدرت پرتغالی‌ها در آن‌جا، ورود کالاهای خارجی از راه خلیج فارس به ایران و تبدیل شدن آن‌جا به پایگاهی برای تبلیغ دین عیسی مسیح، آگاه می‌شود.

نویسنده در جایی آورده که «رابرت شرلی دست‌خطی از شاه عباس گرفت که هر موقع کشتی‌های سوداگران و رعایای پادشاه انگلستان به بنادر ایران وارد شوند، در حق ایشان از هیچ گونه کمکی دریغ نورزند»^۱. اما در نهایت این شاه عباس بود که دست پرتغالی‌ها را از خلیج فارس، و شرّ ازبک‌ها را از خراسان کم کرد.

«عباس عثمانی‌ها را بیرون می‌راند» (ص ۷۵)، عنوان فصل هفت است که یک‌سره به روابط ایران و عثمانی در عهد صفوی، حمله‌ی عثمانی‌ها

**ظهور شاه‌عباس علاوه بر تصادفی تاریخی، واکنش
منطقی هرج و مرج عجیبی بود که بر اثر تساهل و
بی‌کفایتی پدر وی - محمدمیرزا ملقب به خدابنده - در
همه‌ی شئون و مدارج اجتماعی ایران حکم‌فرما شد**

از چشم غربی

برخی مورخان اهمیت دوران حکومت شاه‌عباس را تا بدان پایه می‌دانند که مدعی‌اند اگر شاه‌عباس به سلطنت نمی‌نشست، دولت صفوی در اندک زمانی متلاشی و منقرض می‌شد

رسید. فصل هشت «جستجو برای متحدان اروپایی» نام دارد. در این قسمت، خواننده در می‌یابد که شاه‌عباس پس از استقرار حکومت و ایجاد صلح و ثبات در کشور، در پی برقراری روابط دوستانه با پرتغال، اسپانیا، انگلستان، هلند و آلمان بود. اتحاد ایران و انگلستان و هم‌پیمانی با آلمان - در تقابل با سلطان عثمانی - از بخش‌های جالب کتاب است که با داستان‌هایی پیرامون سفرای ایرانی در پراگ، نورنبرگ و دیگر شهرهای اروپایی همراه شده است. «فشار بر خلیج فارس، تبعید گروهی و قتل یک پسر» عنوان فصل نُه کتاب است (ص ۹۹). پس از آن در فصل ده ماجرای تصرف جزیره‌ی هرمز مطرح می‌شود و نویسنده عنوان «یک پیروزی آنگلو-ایرانی» را بر آن می‌نهد (ص ۱۱۳). او معتقد است، در پی ایجاد مناسبات بازرگانی ایران و انگلیس، از راه خلیج فارس، که با صدور منشور شاهی و با اعزام یک هیئت هفت نفره از کمپانی هند شرقی (به مدیریت دو بازرگان انگلیسی به نام‌های ادوارد کاناک

به خاک ایران، جنگ شاه‌عباس با آن‌ها و سرانجام بیرون راندن آن‌ها از ایران اختصاص دارد. نویسنده عنوان می‌کند که پیش‌تر، در روز سه‌شنبه ۲۷ رمضان سال ۹۹۳ هجری قمری، عثمان پاشا شهر تبریز را به آسانی تصرف کرده بود، در آن جا قلعه‌ای ساخته بود و جعفر پاشا از سرداران ترک راه به حکومت تبریز و حفظ آن قلعه - که مملو از آذوقه‌ها و اسلحه‌های غنیمتی بود - برگماشته بود.

تبریزی‌ها البته مردانه در دفع دشمن کوشیدند اما در برابر توپخانه، تدارکات و نیروی مجهز و عظیم دشمن چه می‌توانستند کرد؟ و باز هم این شاه‌عباس بود که در سال ۱۰۱۰ تبریز را از عثمانی‌ها پس گرفت و در سال ۱۰۱۲ در برابر آن‌ها به پیروزی دست یافت.

و اگر چه پیش‌تر شیروان، شماخی، ارس و بادکوبه به دست مصطفی پاشا افتاده بود، اما شاهزاده‌ی جوان به همراهی سردارانی مثل قلی بیگ قورچی باشی، ضربه‌های هولناکی به لشکریان عثمانی وارد ساخت و در نهایت با مرگ عثمان پاشا و تدابیر شاه‌عباس، داستان پرآشوب عثمانی‌ها نیز به پایان



مسجد شیخ لطف‌الله، اصفهان

آبراهامیان تاریخ را با نگاه جامعه‌شناسی سیاسی مورد تحلیل قرار می‌دهد و در بین اندیشمندان و نظریه‌پردازان مهمی که با این نگاه، به پژوهش در مسائل تاریخ ایران پرداخته‌اند؛ از جمله بهترین‌هاست

ایران، دوبار: توسط احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی (نشرنی) و کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی (نشر مرکز) به فارسی ترجمه و منتشر شده است. کتاب مقالاتی در جامعه‌شناسی ایران او هم در ایران با ترجمه‌ی سهیلا ترابی فارسانی از سوی نشر شیرازه منتشر شد است.

هم‌چنین مصدق و کودتای ۲۸ مرداد و نیز مقالات و گفت‌وگوهای بسیاری از وی در ایران و در نشریات متعددی به چاپ رسیده که حاوی نظرگاه ویژه‌ی او درخصوص تاریخ معاصر ایران است.

او تاریخ را با نگاه جامعه‌شناسی سیاسی مورد تحلیل قرار می‌دهد و در بین اندیشمندان و نظریه‌پردازان مهمی که با این نگاه، به پژوهش در مسائل تاریخ ایران پرداخته‌اند؛ آبراهامیان، با پیشینه‌ی ایرانی-ارمنی، رشد و تربیت انگلیسی و تحصیلات آمریکایی؛ یک پدیده است. آن‌گونه که ادوارد مور تیمور - نایب رئیس مدرسه‌ی علمیه‌ی سالزبورگ و نویسنده‌ی ایمان و قدرت: سیاست‌های اسلام او را با توکویل فرانسوی مقایسه می‌کند و فرد هالییدی در کتاب جدید خود آثار وی را از جمله بهترین نوشته‌ها در مورد خاورمیانه می‌داند.

آبراهامیان علت پیروزی انقلاب اسلامی را اجرای توسعه‌ی ناهمگون توسط رژیم پهلوی می‌داند. او می‌گوید: «دو تفسیر بسیار متفاوت در تبیین عوامل ریشه‌ای انقلاب اسلامی عنوان شده است. بر پایه‌ی تفسیر نخست که مورد پذیرش طرفداران رژیم پهلوی است، انقلاب اسلامی بدان سبب رخ داد که روند نوسازی شاه برای مردم سنت زده و واپس‌گرای او بیش از حد گسترده و شتابان بود. بر پایه‌ی تفسیر دیگر که مورد نظر مخالفان رژیم است؛ نوسازی ناکافی شاه و دست‌نشانده‌ی سیابودن او در عصر ملی‌گرایی، بی‌طرفی و جمهوری‌خواهی، علل اصلی انقلاب بود»^{۱۴}.

او در مورد اختلاف ایران و آمریکا هم دیدگاه خاصی دارد. به نظر او «مسئله‌ی اصلی بین ایران و دولت آمریکا فعالیت‌های اتمی ایران نیست، چرا که خیلی قبل از مطرح‌شدن فعالیت‌های اتمی ایران، نوحافظه‌کاران آمریکا با ایران از سر مخالفت برخاسته بودند. آمریکا وقتی هم که حرف از سلاح‌های کشتار جمعی در عراق می‌زد، موضوع حقیقتاً چنان نبود که اشغال و برکناری صدام ضروری باشد. اگر اسناد مورد مطالعه قرار گیرند، می‌بینیم که این موضوع قویاً مطرح بوده که بعد از عراق، ایران نیز باید اشغال شود، اما رویارویی با ایران می‌تواند فشار عظیمی را به منابع مالی و نظامی آمریکا

و توماس بارکر)، شکل گرفت و با مساعدت رابرت شرلی نظم و نسق یافت؛ مقدمات انهدام تأسیسات و دژهای پرتغالیان در جزیره‌ی هرمز فراهم آمد. اما پیروزی نهایی شاه عباس، به عقیده‌ی نویسنده، تصرف قندهار و بغداد بود. در فصل یازده که با همین عنوان به تحریر درآمده؛ نویسنده، مسئله‌ی انضمام قندهار و بغداد به ایران را مورد تحلیل قرار داده است. پس از آن که سپاهیان ایران، با تسخیر مجدد تبریز، به کسب روحیه پرداختند؛ در جنگی سخت سردار عثمانی، علی پاشا را شکست دادند و سپس بغداد را به محاصره‌ی خود درآوردند. به گونه‌ای که ایران تا سال ۱۰۱۴ هجری قمری، تمامی اراضی از دست رفته را باز پس گرفته بود.

و سرانجام، با فصل آخر کتاب که «ستیزه‌ی فرستادگان سیاسی» نام دارد و به نزاع‌های پنهان و آشکار فرستادگان دربار شاه عباس اختصاص دارد، داستان پرماجرای شاه عباس پایان می‌یابد.

در خلال فصول مختلف کتاب، خواننده با هنر، معماری، اقتصاد و سیاست عهد شاه‌عباس آشنا می‌شود.

همچنین توسعه‌ی تدریجی اصفهان از سال ۱۰۰۶ تا پایان عمر شاه‌عباس، اصلاحات اجتماعی مثل منع اکید شراب‌خواری از سوی او درسی و سومین سال سلطنت و ممنوعیت استعمال مواد مخدر در میان سپاهیان، تنظیم سیستم مالیاتی، وضع قوانین اخلاقی و ضمانت‌های اجرایی آن (مجازات‌ها)، و از همه مهم‌تر استقرار مذهب تشیع، باتوجه ویژه به شهرهای قم و مشهد، از جمله مسائلی است که در طی مباحث گوناگون کتاب، خواننده را با خود به عهد صفوی و به امپراطوری بزرگ شاه‌عباس می‌برد. همان که خارجی‌ها رشک بهشت می‌نامیدند و ایرانی‌ها به عنوان مقدس‌ترین سوگندها «به سر شاه‌عباس» قسم می‌خوردند^{۱۱}.

پروفیسور پرواندا آبراهامیان تاریخ‌نگار ارمنی - ایرانی است که در سال ۱۳۲۰ در تهران متولد شد، در سال ۱۳۲۹ به انگلستان رفت، در سال ۱۳۴۲ از دانشگاه آکسفورد درجه‌ی کارشناسی ارشد گرفت و در سال ۱۳۴۸ نیز دکترای خویش را از دانشگاه کلمبیا اخذ کرد. وی در دانشگاه‌های پرینستون و آکسفورد به تدریس تاریخ ایران پرداخته و هم‌اکنون در کالج باروک دانشگاه نیویورک، تاریخ جهان و خاورمیانه تدریس می‌کند.

آبراهامیان صاحب آثار مهم و متعددی است که از آن میان ایران بین دو انقلاب (پرینستون، ۱۹۸۲) معروف‌ترین و شاخص‌ترین آن‌هاست که در

از چشم غربی

آبراهامیان در زمره‌ی مورخان روشنفکری قرار می‌گیرد که کوشیده است وقایع تاریخ معاصر ایران را در چهارچوب تئوری‌های خاص نظریه‌پردازان غربی تحلیل کند، بنابراین اگرچه ایرانی است، اما یک تاریخ‌نگار غربی محسوب می‌شود

در روند مدرن شدن ایران بوده‌اند. اما قلب و نقطه‌ی مرکزی کتاب بر دو محور استوار شده است؛ یکی حضور مردم ایران و فعال بودن آن‌ها در تمامی شئون سیاسی و اجتماعی و دیگری طرح این مسئله که در سرآغاز قرن بیست‌ویکم، ایران در قالب یکی از قدرتمندترین کشورهای خاورمیانه ظاهر شده است.

در پایان، یادآوری این نکته شاید خالی از فایده نباشد که از میان انبوه نقدها و معرفی‌های این کتاب در نشریات مختلف، مقاله‌های فارن افروز و ژورنال میدل ایست (ژانویه ۲۰۰۹) که حاوی دو مقاله از جان لمبرت و فرد رودز است، بسیار جالب و هوشمندانه نوشته شده‌اند و جوانب کار و روش تحقیق او را به دقت کاویده‌اند.

پی‌نوشت

۱. صفویان، گروه نویسندگان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران: چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۸۰
۲. تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، از مرگ تیمور تا مرگ شاهعباس، ابوالقاسم طاهری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: چاپ سوم ۱۳۸۰، ص ۳۴۵
۳. نقد استاد مجتبی مینوی بر کتاب شاهعباس اثر نصرالله فلسفی؛ ن: زندگانی شاهعباس اول، نصرالله فلسفی، انتشارات علمی، تهران: چاپ چهارم ۱۳۶۹، ص ۷۰
۴. زندگانی شاهعباس اول، همان، ص ۹
۵. از جمله ابوالقاسم طاهری در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، همان.
۶. در این خصوص بنگرید به مقاله آنتونی ولش با نام «هنر و معماری در دوران شاه عباس اول» در صفویان، همان.
۷. گفتار نصرالله فلسفی در زندگانی شاهعباس اول، همان، ص ۹
۸. **سیاست و اقتصاد عصر صفوی**، باستانی‌پاریزی، انتشارات صفی‌علیشاه، تهران: چاپ سوم ۱۳۶۲، ص ۱۵۶ به بعد
9. Professor Raphael Bernstein, From Dartmouth college
۱۰. تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، همان، ص ۶۴
۱۱. سفرنامه جان کارت رایت، ص ۷۵۳
۱۲. ایران بین دو انقلاب، یرواند آبراهامیان، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، نشرنی، تهران: چاپ دهم ۱۳۸۳، ص ۵۲۴
۱۳. معارف، خرداد ۸۴، شماره ۲۶

وارد آورد. در عین حال، مردم یک کشور، به هر حال دولت خود را به یک نیروی خارجی استعماری ترجیح می‌دهند.^{۱۳}

به هر روی، آبراهامیان در زمره‌ی مورخان روشنفکری قرار می‌گیرد که کوشیده است وقایع تاریخ معاصر ایران را در چهارچوب تئوری‌های خاص نظریه‌پردازان غربی تحلیل کند، بنابراین اگرچه ایرانی است، اما یک تاریخ‌نگار غربی محسوب می‌شود که باید نظرات او پیرامون ایران را شنید و خواند و واکاوی و در جای مناسب، به نقد آن‌ها نشست. این نقد البته در چند محور می‌تواند صورت پذیرد؛ متدلوژی، منابع پژوهش و نادیده گرفتن یا عدم درک بافت مذهبی جامعه ایران از جمله نکاتی است که می‌توان در آثار آبراهامیان به نقد آن‌ها پرداخت. اما این مسائل را مجالی دیگر باید و در این مقال کوتاه تنها به معرفی کوتاهی از تازه‌ترین اثر آبراهامیان می‌پردازیم که با نام تاریخی از ایران مدرن، در سال ۲۰۰۸ از سوی انتشارات دانشگاه کمبریج در ۲۶۴ صفحه منتشر شده است.

کتاب در شش فصل کلی، به همراه نقشه‌ها، تصاویر، نمودارها، رویدادنگاری وقایع معاصر؛ مجموعه یادداشت‌ها، پیش‌گفتار و مقدمه تنظیم شده است، اما دو بخش جالب دیگر نیز ضمیمه این کتاب است که قطعاً به کار پژوهش‌گران خواهد آمد. یکی کتاب‌شناسی مفصل و ارائه‌ی آمار کمی، در کنار انبوهی از کتاب‌های فارسی و لاتین و روزنامه‌های مختلف داخلی و خارجی است و دیگری فرهنگ‌نامه اعلام سیاسی در ایران مدرن که خود آن را A Political who is who of Modern Iran نامیده است.

عناوین فصول شش‌گانه کتاب، نشان‌دهنده‌ی درونمایه آن‌ها و موضوعاتی است که آبراهامیان در حوزه ایران مدرن مد نظر قرار داده است: «خودکامگان سلطنتی»؛ دولت و جامعه در زمان قاجاری‌ها (ص ۸)، اصلاح، انقلاب و جنگ بزرگ (ص ۳۴)، مشقت آهنین رضاشاه (ص ۶۳)، فترت ناسیونالیستی (ص ۹۷)، انقلاب سفید محمدرضا (ص ۱۲۳) و جمهوری اسلامی (ص ۱۵۵). برخی اصلاحات و توسعه صورت گرفته در زمان قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی، اهمیت تشیع در تاریخ ایران، ریشه‌های مدرنیزاسیون، جستجو برای اصلاح دموکراتیک در بزنگاه‌های گوناگون، مشارکت عمومی مردم در انقلاب‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۷۸ و نقش نفت در تکوین و توسعه مدرنیزاسیون از مباحث کلیدی کتاب آبراهامیان است. هم‌چنین جنگ تحمیلی عراق، تغییر تدریجی جامعه تحت نفوذ و تأثیر جامعه‌ی روحانیون مذهبی، ظهور طبقه جدید نخبگان و طبقه واسط تجار بازاری از دیگر عوامل مورد ملاحظه او